

# انترناسیونال



## حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۸۹۶

جمعه ۷ آذر ۱۳۹۹، ۲۷ نوامبر ۲۰۲۰

### ما از همه احزاب سیاسی آماده تریه

گفتگو با اصغر کریمی به مناسبت سالگرد تشکیل حزب کمونیست کارگری



#### انترناسیونال:

های دیگری نیز که برای سرنگونی جمهوری اسلامی مبارزه میکنند، همدستان صرفاً سرنگونی نیست بلکه در عین حال دارند زمینه را برای تحقق نظام مورد نظر خود، سرمایه داری، آماده میکنند.

قبل از اینکه وارد اقدامات شوم این نکته را باید توضیح بدهم که انقلاب برای سرنگونی کار احزاب نیست و به فراخوان و با نقشه احزاب انقلاب نمیشود، انقلاب یک رویداد عینی است که در شرایطی اتفاق می افتد. به این معنی احزاب نمیتوانند نقشه سرنگونی بریزند، یعنی لیستی از اقدامات را در دستور بگذارند که سرانجامش سرنگونی باشد. ولی این مطلقاً به معنی بی نقش بودن یا کم نقش بودن احزاب نیست. در سطح ماکرو احزابی در جهت تقویت انقلاب و احزابی در جهت تضعیف افق انقلابی تلاش میکنند و در سالهای گذشته جدال تندی میان ما و جریانان اپوزیسیون بورژوازی که پروژه های دیگری مثل حمله نظامی و فرارند و رژیم چنچ را در مقابل انقلاب علم کرده بودند، جریان داشته است و

ادامه در صفحه ۲

۳۰ نوامبر سالروز تاسیس حزب کمونیست کارگری ایران است. امسال ۲۹ سال از تاسیس حزب کمونیست کارگری ایران میگذرد. با اصغر کریمی رئیس هیئت اجرایی حزب در این رابطه گفتگو میکنیم.

اصغر کریمی! فوری ترین هدف حزب کمونیست کارگری چیست و چه فعالیتهایی برای رسیدن به آن انجام داده است و میدهد؟

**اصغر کریمی:** کوچک ترین بهبودی در زندگی مادی و معنوی مردم درگرو سرنگونی جمهوری اسلامی است. حزب اینرا فوری ترین هدف خود میداند. با سرنگونی جمهوری اسلامی راه برای تحقق خواست های فوری مردم و نیز عملی کردن کلیت برنامه حزب، یک جامعه سوسیالیستی و انسانی نیز فراهم میشود. در دل مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی ما داریم جنبش خودمان برای برقراری سوسیالیسم را هم تحکیم میکنیم. در واقع برقراری جامعه سوسیالیستی نیز از نظر ما هدف دوری در آینده نیست، هدف فوری ما است. جنبش

## ۲۵ نوامبر روز بین المللی مبارزه با خشونت علیه زنان

**STOP VIOLENCE AGAINST WOMEN**

خشونت بر علیه زنان را متوقف کنیم

صفحه ۶

### بایکوت سیاسی حکومت آپارتاید جنسی

پسا انتخابات آمریکا و پدیده ترامپ این نوشته بر مبنای مصاحبه با کانال جدید تدوین شده است

صفحه ۴  
قطعنامه کافی نیست، بایکوت جهانی! کاظم نیکخواه، صفحه ۵

صفحه ۵  
از آپارتاید نژادی تا آپارتاید جنسی! حکومت آپارتاید جنسی را بایکوت کنید! محسن ابراهیمی

صفحه ۶  
از مینا احدی: کنفرانس با موضوع سرنگونی جمهوری اسلامی و نقش زنان

صفحه ۷  
در گرامیداشت سالگرد تشکیل حزب کمونیست کارگری

از مدیای اجتماعی حزب ۴، ۸، ۱۲، ۱۴

## اطلاعیه ها

- ۱- حکومت شلاق را سرنگون خواهیم کرد صفحه ۱۱
- ۲- احمد رضا جلالی با خطر قریبالوقوع اعدام روبروست. حکم اعدام وی باید فوراً ملغی شود! صفحه ۱۱
- ۳- حمایت سازمان فرانت لاین دفنדרز از زندانی سیاسی سهیل عربی صفحه ۷
- ۴- برگزاری مراسم ۲۵ نوامبر روز جهانی خشونت علیه زنان در فرانکفورت آلمان صفحه ۱۲
- ۵- تلخیصی از اطلاعیه های خبری اعتراض کارگران فصلی نیشکر هفت تپه به اخراجها... صفحه ۱۳
- ۶- جدال در نیشکر هفت تپه ادامه دارد صفحه ۱۴

سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

از صفحه ۱

## ما از همه احزاب سیاسی آماده ترییم... اصغر کریمی



همه این پروژه ها و همینطور پروژه اصلاح رژیم در مقابل افق انقلاب عملا عقب رانده شده و شکست خورده است و حزب یک پای پیگیر این جدال سیاسی بوده است.

اما در سطحی کنکرت تر، حزب در جنبش های مختلف اعتراضی از جنبش کارگری و دانشجویی تا جنبش رهایی زن و سایر جنبش های اعتراضی حضور فعالی داشته است و جناح چپ و انقلابی این جنبش ها را در مقابل گرایشات رفرمیستی و سازشکار تقویت کرده است. در ظاهر امر ممکن است این سوال مطرح شود که چپ تر و رادیکال تر شدن یا راست تر شدن چه تاثیری بر سرنوشتی دارد؟ مگر این نیست که همه سرنوشتی میخواهند؟ بله همه سرنوشتی طلبان از چپ تا راست سرنوشتی میخواهند، اما راست در امر سرنوشتی پیگیری و انسجام کمونیست ها را ندارد، در هر مقطعی میتواند بخشی از حکومت سازش کند، میان مردم بر اساس ملیت و مذهب تفرقه ایجاد میکند، و صفوف مردم را ضعیف میکند، در مقابل قاسم سلیمانی زانویش سست میشود، با بخشی از روحانیت و نیروهای سرکوب سازش میکند، با مذهب بعنوان پایه ایدئولوژیک و سیاسی حکومت مشکلی ندارد و یا طرح هایی ارائه میدهد که به انقلاب بعنوان تنها راه سرنوشتی لطمه میزند. تا جایی که به حزب مربوط میشود در دل جدال با جمهوری اسلامی گرایش رادیکال و کمونیستی را در میان فعالین و جنبش های حق طلبانه تقویت کرده و به این معنی به جنبش

**اصغر کریمی:** این یک نقطه قوت مهم حزب است. اگر بگویم حزب در اکثر جنبش های حق طلبانه علاوه بر کار ماکرو و سیاسی از نظر میدانی نیز نقش موثر و چشمگیری دارد اغراق نکرده ام. از جنبش رهایی زن و دفاع از حقوق کودک، تا جنبش کارگری، معلمان، بازنشستگان، دانشجویی، جنبش علیه اعدام، جنبش داخواهی، مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، جنبش خلاصی فرهنگی و جنبش ضد مذهبی، تحرک وسیعی که حول آزادی بیان و عقیده وجود دارد، تحرکی که در سالهای گذشته در دفاع از حقوق رنگین کماتی ها شکل گرفته است، در همه اینها حزب حضور میدانی روزمره دارد و هر روز موقعیت مستحکم تری در میان این جنبش ها کسب کرده است. فقط شما چهره جنبش کارگری از مطالباتش تا اشکال اعتراضش را نگاه کنید، ادبیات حزب را هم نگاه کنید تا تاثیرات عمیق حزب بر این جنبش را ببینید.

**انترناسیونال:** یک مساله مهم مردم مساله آلترناتیو یا رهبری سیاسی است. پاسخ حزب کمونیست کارگری به این مساله چیست. آیا حزب خود را در این موقعیت می بیند که رهبر حرکت مردم علیه کل اوضاع موجود باشد؟

**اصغر کریمی:** قطعاً. حزب ما آماده ترین نیروی سیاسی در ایران است. میگویم ما، منظور حزب به معنی اخص کلمه یعنی فقط ارگانهای حزب و اعضا و کادرهای آن نیست. حزب به معنی اجتماعی آنرا مد نظر دارم. ما، یعنی حزب و نیروی جنبشی ما. یعنی طبقه کارگر از جمله معلمان و بازنشستگان، هزاران فعال سیاسی و اجتماعی و جنبش ها و جمع ها و محافل پیشرو و حق طلب که خود اینها طیف وسیعی را تشکیل میدهند. من اینها را در یک اردو میدانم. در اردوی آزادخواهی، در اردوی

**انترناسیونال:** جایگاه حزب را در جنبش های اجتماعی در ایران چگونه می بینید؟ آیا توانسته اید آنگونه که میخواهید بر این جنبشها تاثیر بگذارید؟

انقلاب برای رهایی از همه ستم ها و نابرابری ها. حزب یعنی همه اینها که امروز نقش سیاسی و میدانی اساسی در ایران دارند و در همه سوخت و سازهای اعتراضی به نوعی شریکند.

بدلایی که توضیح میدهم حزب نه تنها این ظرفیت را دارد بلکه مهمتر اینکه بخشی از مسیر تبدیل شدن به یک نیروی شناخته شده و پذیرفته شده از جانب توده وسیع مردم را فی الحال پیموده است و موفقیت های قابل توجهی در سالهای گذشته داشته است که موقعیت محکم و بسیار قابل اتکایی به عنوان یک نیروی موثر و مطرح در جامعه کسب کرده است. به موقعیت حزب در جنبش های اجتماعی نیز اشاره کردم. همه این جنبش ها، سرنوشتی طلب هستند، در تغییر توازن قوا نقش مهمی ایفا میکنند و به مجرد تغییری در اوضاع، آتوقتی نه تنها نوک کوه یخ بلکه خود واقعیت حزب در اعماق جامعه آشکار خواهد شد.

لازم است به این نکته اشاره کنم که نفوذ و اعتبار در جنبش های اجتماعی و شناخته شدن در این عرصه ها، به این معنی نیست که حزب در صحنه سیاسی جامعه و در بعدی اجتماعی و آشکار از جانب مردم پذیرفته شده و به قطب اصلی نیروی رهبری جامعه تبدیل شده است. جریان دیگری هم به چنین موقعیتی نرسیده است و جدال سیاسی گسترده ای برای کسب این موقعیت در جامعه جریان دارد. انقلاب و سرنوشتی، علیرغم همه اهمیت بی چون و چرای جنبش های اجتماعی، امری فراتر از این جنبش ها است و قرار گرفتن در نقش رهبری انقلاب مساله چند وجهی تر و پیچیده تری است. علیرغم اینکه هنوز به کار زیادی نیاز داریم که مردم در بعدی اجتماعی ما را انتخاب کنند، اما در مسیر بسیار جالبی قرار داریم و سیاست ها و متدی که در جنبش سرنوشتی دنبال میکنیم، این متد که

جامعه را در مقابل حکومت نمایندگی کنیم، به پیشروی قابل توجهی برای ما تبدیل شده است. اما کار بسیار زیادی در این زمینه داریم و پیشروی های تاکتونی، موقعیتی که در جنبش های اجتماعی و حق طلبانه داریم، داشتن یک حزب منسجم سیاسی با سیاست ها و جهتگیری های روشن، پختگی سیاسی حزب، کادرهای بانفوذ و خوشنام حزب، ابزارهای دسترسی حزب به جامعه، اعتمادی که بسیاری از فعالین سیاسی حتی مخالفین سیاسی به حزب دارند و نقشی که حمید تقوایی، لیدر حزب، ایفا میکند، این مجموعه ما را در موقعیت منحصر به فردی قرار داده است. بعلاوه فاکتور اساسی و مهم دیگر این است که جامعه هرچه بیشتر حرف حزب را دارد میزند، اعم از اینکه چقدر حزب را میشناسد و خود را بخشی از حزب میداند یا نه. اما اینکه جامعه به هر ناباوری انقلاب بعنوان تنها راه سرنوشتی را تماماً فهمانده است، آزدیخواهی و برابری طلبی، ضدیت عمومی با مذهب و حکومت مذهبی، انتظارات بالای مردم برای داشتن یک جامعه انسانی، انسانیتی که در میان مردم و جنبش های حق طلبانه موج میزند، اینها هیچکدام به ناسیونالیسم و عظمت طلبی ایرانی، و کورش و نواده های کورش ربطی ندارد، نقطه مقابل آنها است و متاثر از کمونیسم است. کمونیسم یک جنبش عمیقاً اجتماعی در جامعه است که با حزب کمونیست کارگری بعنوان بزرگترین حزب سیاسی کشور شناخته میشود. اینها فاکتورهایی است که حزب را در موقعیت ویژه ای برای تبدیل شدن به رهبر سیاسی جامعه و رهبر انقلابی که در حال شکل گیری است، قرار داده است. حزب کمونیست کارگری به جرات میتواند گفت تنها جریانی است که میتواند بخش های مختلف مردم معترض را در جبهه مقابله با جمهوری اسلامی متحد کند و انقلاب را به سرانجام برساند.\*



رئیس جمهور قبلی نتیجه انتخابات را بپذیرد. ایشان رضایت هم ندهد بالاخره باید کاخ سفید را ترک کند. چاره ای ندارد. این را همه میدانند و به ترامپ هم این را یادآوری کرده اند. آخرین اتفاقی که افتاد این بود که نهاد مسئول دوره انتقال از یک رئیس جمهور به رئیس جمهور دیگر رسماً شروع این دوره را اعلام کرد و ترامپ هم مجبور شد تمکین کند. البته اعلام کرد که همچنان فکر میکند خودش برنده انتخابات است ولی قبول میکند که دوره انتقال قدرت شروع بشود! شروع این روند هم در واقع میخی است به تابوت ادعاهای تقلب در انتخابات. با این حال ترامپ خودش را از تک و تا نمی اندازد و اعلام کرده است که به شکایت‌های قانونی اش ادامه خواهد داد.

**سیما بهاری:** اینجا این سؤال پیش می آید که چرا ترامپ که قانوناً تا بحال بجائی نرسیده و میدانند به نتیجه ای هم نخواهد رسید همچنان از پذیرش نتیجه انتخابات سر باز میزنند؟ کارش بیشتر به لجاجتی بچه ها شبیه است. چه چیزی را میخواهد ثابت کند؟ چه نقشه ای در سر دارد؟

**حمید تقوائی:** بله خیلی ها این لجاجت ترامپ را کودکانه و ناشی از این میدانند که نمیتواند شکست را بپذیرد ولی مساله فقط روانی-شخصی نیست. به نظر من این یک مانور سیاسی است. ترامپ بالاخره هواداران زیادی در جامعه آمریکا دارد، گرچه شکست خورده ولی رای نسبتاً بالائی آورده است و روی این حساب میکند که با ادعای انتخابات تقلبی بوده است و "رای مرا دزدیده اند" بعنوان یک نیروی مدعی در صحنه سیاسی آمریکا باقی بماند. صحبت از این است که ممکن است ایشان در انتخابات دوره بعد خودش را دوباره کاندید کند. ولی حتی اگر این کار را هم نکند میخواهد مانند وزنه ای در سیاست آمریکا باقی

## پسا انتخابات آمریکا و پدیده ترامپ

### این نوشته بر مبنای مصاحبه با کانال جدید تدوین شده است



یک مشت ادعا و تهمت است. بنابراین روشن است که این تلاشهای قضائی بجائی نرسیده و نخواهد رسید.

نکته دیگر اینست که هنوز رای شماریها ادامه دارد و در کل آمریکا نزدیک به ۹۸ درصد رای شمارش شده و حدود ۲ درصد باقی مانده است. ولی از زمان شمارش آرا تا کنون مدام تفاوت رای ها بیشتر شده. یعنی تعداد رای های باین بیشتر و بیشتر از آرای ترامپ فاصله گرفته است. از این نظر هم بطور واقعی جای تردیدی برای کسی نمانده است که باین برنده انتخابات است. حتی بعضی از سناتورهای جمهوریخواه هم که تا بحال سکوت کرده بودند یا تلویحاً از موضع ترامپ حمایت کرده بودند ناگزیر شده اند نظرشان را عوض کنند و واقعیت را بپذیرند.

بنابراین تردیدی نیست که باین رئیس جمهور آمریکا خواهد شد. اما اینکه آیا ترامپ این واقعیت را بالاخره میپذیرد یا خیر موضوع دیگری است. ایشان تا بحال این کار را نکرده است و ممکن هم هست تا روز آخر برنده شدن باین را قبول نکند ولی قانوناً الزامی نیست که

**سیما بهاری:** کمتر از ۶۰ روز به پایان دوره قانونی ریاست جمهوری ترامپ باقی است و همه رسانه ها هم باین را پیروز انتخابات اخیر اعلام کرده اند اما او هنوز خود را برنده میدانند و میگویند که در انتخابات تقلب شده است. البته ترامپ هواداران زیادی دارد که کمابیش همین حرفها را میزنند. حتی برخی ایرانیها هم تکرار میکنند. در برنامه گفتگو این هفته حمید تقوائی را داریم تا سوالاتی در این زمینه مطرح کنیم.

خیلی ها فکر میکنند که ترامپ بالاخره مجبور است نتایج انتخابات را بپذیرد، شما چه فکر میکنید؟ آیا شکایات قانونی او به جایی میرسد؟ آیا میتواند اصلاً امتناع کند؟ آنوقت چه اتفاقی میافتد؟

**حمید تقوائی:** تا آنجا که به موضوع شکایت مربوط میشود تلاشهای آقای ترامپ یک به یک شکست خورد. تیم وکلای ترامپ حدود سی مورد به دادگاههای ایالتی مختلف در مورد تقلب بودن انتخابات شکایت کرده است و همه بلا استثنا رد شده است. قضات حتی حاضر نشده اند پرونده ای باز بشود چون هیچ مدرک و دلیلی دال بر تقلب در انتخابات وجود ندارد. فقط

اساس رای های کالج انتخاباتی برنده انتخابات شد ولی در سطح سراسری رای کمتری از هیلاری کلینتون آورده بود، این را هم نپذیرفت و ادعا کرد تقلب شده و حتی عده ای را مامور کرد که از نظر قانونی مساله را پیگیری کنند که البته بجائی نرسید. امروز هم همان داستان است. اغلب ادعاها و مواضع سیاسی ایشان هیچگاه به واقعیت و حقیقت ربطی نداشته است. نمونه آخرش هم همین انکار پیروزی باین در انتخابات است.

**سیما بهاری:** ولی علیرغم اینکه ترامپ یک فاشسیت دروغگو است و این کاملاً واضح و آشکار است، با این وجود رای بالائی در انتخابات آورد. این را چطور میتوان توضیح داد؟

**حمید تقوائی:** در همان چهار سال قبل که ترامپ انتخاب شد بحث ما این بود که انتخاب او به معنای آن نیست که همه کسانی که به او رای داده اند با سیاستهای فاشسیستی و ضد زن و یا دروغهای او موافق هستند. چون همان زمان هم در جریان مبارزات انتخاباتی خیلی روشن بود که ایشان ضد سبیهوست و ضد مهاجر است و رابطه خوبی با حقیقت و واقعیات ندارد. این را همه میدیدند با این حال اگر ایشان رای آورد اساساً به این علت بود که خودش را فردی خارج از سیستم معرفی کرده بود. کسی که تا آن زمان نه عضو حزب جمهوریخواه

بماند، در حزب جمهوریخواه دست بالا داشته باشد و از طریق این حزب در کنگره اعمال نفوذ کند و غیره. مساله در واقع بر سر نفوذ و قدرت سیاسی است. ترامپ اینطور تشخیص داده است که برای حفظ پایگاه اجتماعی اش و مطرح نگاهداشتن خود در صحنه سیاسی باید همچنان مدعی باشد که انتخابات تقلبی بوده است و باین رئیس جمهور قانونی نیست و غیره. ظاهراً این ادعاها فرارست پلانترم فعالیت سیاسی ایشان در چهار سال آتی باشد.

این مانور و موضعگیری سیاسی البته هیچ ربطی به واقعیت و حقیقت ندارد. مثل سایر مواضع و ادعاهای ایشان. میدانید که ترامپ یکی از دروغگوترین رئیس جمهوری هائی است که دنیا به خود دیده است. ترامپ یک نژاد پرست شارلاتان ضد علم و ضد حقیقت است که دروغگوئی آشکار و انکار واقعیات شیوه همیشگی اش در دوران ریاست جمهوری بوده است. برخورد او به انتخابات اخیر هم در همین چهارچوب قرار میگیرد. ایشان بعد از انتخابات در چهارسال قبل ادعا کرد که در مراسم تحلیفش بیشترین تعداد جمعیت در تاریخ آمریکا شرکت کرده است. و وقتی فیلمهایی نشان دادند که در دوره او با جمعیت خیلی بیشتر بوده است ایشان هیچگاه قبول نکرد. گفت من از "واقعیت" اینترنتی صحبت میکنم! در همان دوره گرچه بر

**KANAL JADID**  
کانال جدید

فرکانس تلویزیون کانال جدید

ماهواره یاه ست

فرکانس : 11766

پولاریزاسیون : عمودی

سیمبل ریت : 27500

اف ای سی : 7/8



هم حیاتی است و هم ممکن تر است و شرایط بیش از پیش آماده است.

ممکن تر است چون:

۱- بر خلاف دوران آپارتاید نژادی، امروز میدان تاثیر گذاری در افکار عمومی در انحصار رسانه هایی نیست که معمولاً در خدمت سیاست دول فخریه کار میکنند. ژورنالیست- شهروندان ابعاد غم انگیز و در عین حال نفرت انگیز تبعیض جنسیتی در ایران را - آنهم با اسم و رسم و عکس و ویدیو کلیپ - مدام به خانه های مردم شریف جهان میبرند. مردم جهان همزمان با مردم ایران می بینند که در قرن بیست و یک در کشوری به نام ایران:

- زن در قانون اساسی و در هیچ قانون این رژیم انسان محسوب نمیشود  
- دایناسورهایی که عنوانشان آیت الله است رسماً در رسانه های رسمی یک حکومت، زنان را "حیوان" خطاب میکنند!!  
- دختران باید خود را به "دختران ریشو" تبدیل کنند و قاچاقی وارد استودیو شوند و فوتبال تماشا کنند "دختر آبی" خودسوزی میکند چون نمیتواند وارد ورزشگاه رژیم آپارتاید

## از آپارتاید نژادی تا آپارتاید جنسی! حکومت آپارتاید جنسی را بایکوت کنید!

محسن ابراهیمی



در دهه شصت میلادی، وقتی حکومت نژاد پرست آفریقای جنوبی در منگنه بایکوت سیاسی جهانی مخصوصاً بایکوت ورزشی قرار گرفت به هر کلکی اویزان شد تا خطر را رفع کند. یکی از کلکهای سیاسی شرم آور این بود:

وقتی عضویت آفریقای جنوبی در فیفا در سال ۱۹۶۳ به تعلیق درآمد، فدراسیون فوتبال آفریقای جنوبی پیشنهاد شرکت یک تیم تماماً سفیدپوست در بازیهای ۱۹۶۶ و یک تیم تماماً سیاهپوست در بازیهای ۱۹۷۰ را ارائه کرد!! نژاد پرستان خبیث حاکم تا آخرین دم برای تحقیر سیاه پوستان مقاومت کردند. مقاومتشان نگرفت و بالاخره مبارزه پیش رفت و نه مانده عصر برده داری

مراکز به بردگان جنسی تبدیل میکنند و عملاً یک تجاوز جنسی سازمان یافته علیه این زنان راه می اندازند و آخوندهای دولتی در نقش "پیمپهای" عامه دار از قیل تجاوز به زنان پول پارو میکنند و...!

دنیا مدام شاهد جلوه های ننگین آپارتاید جنسی در ایران است و دنیا همچنان شاهد نبرد جسورانه زنان و همزمان مردشان برای پایان دادن به این آپارتاید هستند. و مخصوصاً بعد از قتل نوید کشتی گیر و بعد از قتل عام موشکی ۱۷۶ انسان در هوا توجه مردم جهان به هیولای اسلامی حاکم در ایران جلب شده است.

همه چیز برای منزوی کردن کامل حکومت اسلامی در سطح جهان، همه چیز برای آفریقای جنوبیزه کردن حکومت اسلامی بیش از پیش فراهم تر شده است!\*

جنسی شود!  
- پدری در پناه قوانین ضد زن حکومتی با داس مرگ به سراغ دخترش "رومینا" میرود تا ناموس پرستی اسلامی را پاس دارد!  
- زنانی مثل ریحانه بالای دار میروند تا مردان اسلامی- امنیتی "ابرویشان" حفظ شود  
- باندهای اسید پاش صورت زنان را با اسید میسوزانند تا زنان بدانند که اینجا آپارتاید جنسی حاکم است و زنان نمیتوانند آزاد و مثل انسان زندگی کنند!  
- دریاها و اتوبوسها و مدارس و کلاسهای درس را زبانه مردانه میکنند  
- نمایندگان خدا در زمین یک بردگی جنسی سیستماتیک در جوار امامزادهایشان به نام صیغه اسلامی راه می اندازند و دهها هزار زن جوان محروم محتاج به نان کودکانشان را در این

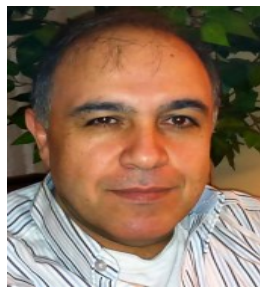
## جامعه ای که صدها هزار "مجید شریف" دارد

درازکش. آمپول. جوراب. داخل تاکسی. سمت چپ عقب. عادی. در همان مسیر. نیش ترمز کنار پیاده‌رو. دست روی قلبش. کفش و جورابش را هم پایش کرده بودیم. نمره تاکسی را عوض کرده بودیم. (پلاک برجسته نیست.) تدارک پلاک برجسته را دیده بودم. «مجید شریف که از سال شصت‌ودو از ایران خارج شده بود و به مدت دوازده سال در فرانسه زندگی کرد، در آبان هفتادوچهار به ایران بازگشت و سه سال بعد به قتل رسید.»

مجید شریف یکی از صدها هزار سربه نیست شده ای است که در دستان خونین شکنجه گران نماینده

اسامی قربانیان شناخته شده تر این جنایت مثل داریوش و پروانه فروهر، جعفر پوپنده و محمد مختاری، در فیسبوک با نام "مجید شریف" که او هم یکی دیگر از آن قربانیان بود، برخورد کردم. در یادداشتی درباره او نوشته بودند: "در روز ۲۸ آبان ۱۳۷۷، مجید شریف نویسنده و مترجم، با لباس گرمکن از منزل مادرش در یوسف‌آباد خارج شد و هرگز به خانه بازنگشت. نزدیکان او شش روز بعد جسدش را در پزشکی قانونی پیدا کردند. ... مهرداد عالیخانی از عاملان قتل‌های سیاسی سال ۱۳۷۷ نحوه قتل مجید شریف را اینگونه توضیح می‌دهد: «بردم توی انباری. مقاومت. بیهوش.

ماه آذر، ماه سالگرد "قتلهای زنجیره ای" است. ویکی پدیا درباره "قتلهای زنجیره ای" نوشته است: "قتلهای زنجیره‌ای، به کشتار برخی از شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی منتقد نظام جمهوری اسلامی در دهه هفتاد خورشیدی، در داخل و خارج از ایران، گفته می‌شود که به گفته برخی از منابع، با فتوای برخی از روحانیون بلندپایه و به دست پرسنل وزارت اطلاعات در زمان وزارت علی فلاحیان ( وزیر اطلاعات ریاست‌جمهوری هاشمی رفسنجانی) و قربانعلی ذری نجف‌آبادی ( اولین وزیر اطلاعات در دولت محمد خاتمی) انجام شد." در کنار



ناصر اصغری

از مبدیای اجتماعی حزب



## قطعنامه کافی نیست، بایکوت جهانی! کاظم نیکخواه



سازمان ملل روز ۲۸ آبان قطعنامه ای را برای ارائه به مجمع عمومی این سازمان به بحث گذاشت که در آن به نقض مداوم حقوق بشر توسط جمهوری اسلامی اعتراض شده و این حکومت به دلیل دستگیریهای گسترده معترضین، استفاده از سلاحهای مرگبار علیه اعتراضات مسالمت آمیز، و اعدامهای گسترده محکوم شده است. دولت کانادا ارائه دهنده اصلی این قطعنامه علیه جمهوری اسلامی بود و قطعنامه در کمیته سوم مجمع عمومی سازمان ملل با رای مثبت ۷۹ کشور تصویب شد و قرار است روزهای آینده در مجمع عمومی به تایید شمار بیشتری از دولتها برسد و تصویب شود. این شصت و هفتمین قطعنامه ای است که علیه جمهوری اسلامی در سازمان ملل تصویب میشود. ۳۲ دولت نیز به قطعنامه رای منفی دادند. دولتهای روسیه، چین، پاکستان، عراق، سوریه، لبنان، ترکمنستان و ازبکستان از جمله دولتهایی

بودند که به قطعنامه رای منفی دادند. این قطعنامه جمهوری اسلامی را به نقض تعهدات بین المللی اش از جمله میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی متهم کرده که با اعدام متهمانی صورت میگیرد که زیر شکنجه وادار به اعتراف به جرم شده اند و یا صدور حکم اعدام برای جرایمی که جزو جرایم سنگین به شمار نمی آیند

قطعنامه نگرانی شدید خود را نسبت به ادامه بی توجهی به قوانین بین المللی دفاع از حقوق متهمان ابراز کرده است. از جمله به اجرای حکم اعدام بدون اطلاع خانواده متهم یا بدون اجرای مراحل قانونی اشاره شده است که احتمالاً به اجرای حکم اعدام نوید افکاری اشاره دارد که بدون اطلاع خانواده و بدون برخورداری از حق آخرین دیدار اعدام شد. کمیته سوم مجمع عمومی سازمان ملل همچنین نسبت به ادامه اعدام کودکان و افراد زیر سن قانونی ابراز "نگرانی جدی" کرده و این امر را

نقض کنوانسیون حقوق کودک دانسته که ایران هم آن را امضا کرده است. در بند دیگری از این قطعنامه از جمهوری اسلامی خواسته شده تا چه در قانون و چه در عمل تضمین کند که دیگر هیچ فردی تحت شکنجه، سوء رفتار، خشونت جنسی و مجازاتهایی که آشکارا مصداق سوء رفتار هستند قرار نمیگیرد.

این قطعنامه همچنین به طور جدی از جمهوری اسلامی خواسته تا به بازداشت های خودسرانه و فرا قانونی پایان دهد به خصوص به اعمال این نوع بازداشتها در مورد شهروندان خارجی و دوتابعیتی اشاره شده و خواسته شده تا این روند فوراً متوقف شود. زمینه برای بایکوت جهانی

بی شک تصویب چنین قطعنامه هایی یک امر مثبت است و فشار زیادی را بر حکومت اسلامی میگذارد و سیمای این حکومت اعدام و سرکوب و شکنجه و زندان را به جهانیان معرفی میکند. تصویب قطعنامه در مورد پایمال کردن حقوق انسانی، فضا را بر حکومت اسلامی و دستگاه قضائی و دست اندرکارانش در سطح جهان تنگ تر میکند و به آنها یادآور میشود که ادامه سیاست اعدام و سرکوب، برای آنها بدون هزینه نخواهد بود. بعلاوه تصویب قطعنامه حقوق بشری علیه جمهوری اسلامی، فشار جدی ای را بر دولتهای هم پیمان این حکومت میگذارد و افشاگر چهره کثیف آنها نیز خواهد بود.

اما نفس اینکه تاکنون ۶۷ قطعنامه علیه جمهوری اسلامی تصویب شده و این حکومت همچنان به همان سیاستها و جنایات نابود کننده و جنایتکارانه اش ادامه میدهد، بیانگر اینست که اگر واقعا نیرویی و دولتی مشغله مهار جمهوری اسلامی را داشته باشد، نباید به طرح قطعنامه اکتفا کند. شواهد و فاکتها در مورد پایمال کردن زندگی انسانها به دلیل دفاع از حقوق و آزادیهای

انسانی، بسیار و بسیار است. در کشوری که دفاع از حقوق کودکان و کارگران و زنان جرم جنایی محسوب میشود و کسی مثل آتنا دائمی به همین دلیل در سنین جوانی به سالها زندان محکوم شده، در مملکتی که با شکنجه از دستگیر شدگان اعتراف میگیرند و امثال نوید افکاری را بدون امکان آخرین ملاقات با خانواده اش اعدام میکنند و در کشوری که اعتراض به گرانی با گلوله پاسخ میگیرد و در عرض چند روز صدها نفر با گلوله به قتل میرسند و هزاران نفر دستگیر و روانه شکنجه گاهها میشوند، در کشوری که در روز روشن هواپیمای مسافربری را بدون هیچ دلیلی با شلیک موشک به زیر میکشند، و در کشوری که عدم رعایت حجاب اسلامی و دفاع از حقوق کودکان و کارگران و زنان سالها زندان به دنبال دارد، روشن است که باید کار جدی تری از قطعنامه انجام داد و این امر دولتها نیست. امر مردم است. امر مردم مدافع حقوق انسانی. امر جریانات و احزاب و شخصیتهایی که نمیخواهند شاهد این باشند که در قرن بیست و یکم یک حکومت مدافع تاجر و چپاول و جنایت و قتل یکه تازی کند. تا آنجا که به دولتهای دنیا مربوط میشود آنها دیده اند و میدانند که این حکومت ستون و الهام بخش تمام رگه های تروریسم و نفرت پراکنی قومی و مذهبی و پروبال دهنده و تقویت کننده شیوه ها و سیاستها و ایدئولوژیهای مخرب و ضد انسانی است و وجود چنین حکومت ویرانگری، فقط درد و رنج و مرگ برای مردم زنان و جوانان و کارگران و مردم در ایران ایجاد نمیکند. بلکه همانگونه که بارها شاهد بوده ایم سموم وجود کثیف آن اثرات مرگباری در تمام دنیا خواهد داشت و هیچ دولت و کشوری از زهر وجود آن در امان نخواهد بود. در واقع اساساً به همین دلیل است که توجه برخی دولتها بیشتر و بیشتر متوجه جمهوری اسلامی شده است

و میخواهند این حکومت را مهار کنند.

هیچ تردیدی نباید داشت که بزرگترین ضربه به کل ارتجاع مذهبی و تروریسم اسلامی حتی جریانات آدمکش مخالف حکومت اسلامی، اینست که چنین حکومتی از صحنه جهان محو شود. بدون تردید روزی که جمهوری اسلامی با انقلاب مردم از صحنه جامعه به زیر کشیده شود، کل ارتجاع مذهبی و تروریسم و فقهرای مذهبی در سطح جهان ضربه مهلکی خواهد خورد و به انزوا و نابودی نزدیک خواهد شد و جامعه انسانی و ارزشهای پیشرو و مدرن انسانی یک گام اساسی به پیش خواهد رفت.

موثرترین کاری که دولتها و نهادهایی مثل سازمان ملل و نهادهای بین المللی میتوانند در این راستا انجام دهند اینست که تلاش کنند این حکومت در سطح جهان بایکوت و منزوی شود. این را ما بارها گفته ایم که عین رژیم آپارتاید افریقای جنوبی که در دهه شصت با تلاش نیروهای رادیکال و ضد آپارتاید توسط دولتهای دنیا در همه زمینه ها بایکوت شد، جمهوری اسلامی هم باید از نهادهای سیاسی، دیپلماتیک، ورزشی، هنری، کارگری بیرون انداخته شود و سفارت خانه هایش بسته شود و سران و کار بدستانش تحت تعقیب دادگاههای بین المللی قرار گیرند. انزوی بین المللی جمهوری اسلامی نتیجه اش بر خلاف آنچه برخی جریانات ادعا میکنند در شدن دست این حکومت در جنایاتش نخواهد بود. برعکس نتیجه اش تقویت مبارزه مردم سرنگونی طلب و ایجاد شکافها و بحرانهای جدی در درون حکومت و نهایتاً هموار کننده راه برای انقلاب و سرنگونی آن خواهد بود. این حرف ما مردم با دولتهاست.

خوشبختانه فضای جهانی به تدریج دارد به این سمت گام بر میدارد. در ماههای اخیر خواست

برای آشنایی، ارسال خبر، گزارش، همکاری و عضویت در حزب کمونیست کارگری میتوانید با آدرس های زیر تماس بگیرید:

سایت حزب: [www.wpiran.org](http://www.wpiran.org)

واتس اپ: +۴۴ ۷۴۳۵۵۶۲۴۴۲

تلگرام: @wpi\_hkki

پیامگیر تلگرام: @wpi\_tamas

اینستاگرام: wpi91

فیسبوک: [www.facebook.com/wpiran](https://www.facebook.com/wpiran)





## گرامی باد ۲۵ نوامبر روز جهانی اعتراض به خشونت علیه زنان



## گرامی باد ۲۵ نوامبر روز جهانی اعتراض به خشونت علیه زنان

کند. جنبش آزادی زن پیشگام مبارزه برای یک جامعه انسانی و آزاد و برابر است. به این جنبش بپیوندید. در ۲۵ نوامبر به زنان جسور و رزمنده و آگاهی که به جرم دفاع از حقوق زنان و کودکان و مردم در زندانهای جمهوری اسلامی به بند کشیده شده اند درود میفرستیم و همه مدافعان حقوق زن و همه مردم آزاده را به گسترش مبارزه برای آزادی زنان زندانی و کلیه زندانیان سیاسی و برای سرنگونی حکومت زن ستیز اسلامی فرامیخوانیم.\*

**زنده باد جنبش  
آزادی زن!**

**زنده باد انقلاب  
انسانی برای جامعه ای  
برابر و انسانی!**

**حزب کمونیست  
کارگری ایران**

۴ آذر ۱۳۹۹  
۲۴ نوامبر ۲۰۲۰

از صفحه ۵

قطعنامه های سازمان ملل در محکومیت جمهوری اسلامی از نظر آماده کردن زمینه برای بایکوت جهانی جمهوری اسلامی بسیار مهمند و گرچه مستقیماً تأثیر چندانی در تغییر رفتار جمهوری اسلامی ندارند، اما کمک میکنند که گفتن بایکوت این حکومت اعدام و زندان و شکنجه و سرکوب در سطح جهان گسترش یابد.\*

همچون حکومت آپارتاید نژادی آفریقای جنوبی، از همه نهادهای بین المللی بیرون انداخت و بایکوت کرد. این یک قدم مهم در پس راندن حکومتهایی از این نوع و کمک بزرگی به زنان قهرمانی است که در سراسر ایران با شجاعت مبارزه میکنند و پیام خود را در با قدرت به دنیا رسانده اند. زنانی که نه فقط حکومت اسلامی را نمیخواهند، بلکه با هر نوع قانون و مقررات و فرهنگ و سنت عقب مانده و پوسیده تعیین تکلیف کرده و خواهان یک زندگی انسانی و شایسته بشر در قرن بیست و یک هستند.

بیست و پنج نوامبر به همه زنان و مردان آزاده در سراسر دنیا درود میفرستیم و از همگان میخواهیم به جنبش طرد حکومتهای مدافع آپارتاید جنسی از نهادهای بین المللی بپیوندند. جامعه انسانی نباید بیش از این سنتها و قوانین ضد زن و حکومتها و جریانها ضد زن و ضد انسانی را تحمل

### قطعنامه کافی نیست،

بایکوت جمهوری اسلامی از جانب برخی اتحادیه ها و فدراسیونهای کارگری و ورزشی در سطح بین المللی طرح شده است و این خود شروع یک روند امید بخش است که بخشا و بویژه تا آنجا که به فدراسیونهای اتحادیه ای مربوط میشود خود ما در آن نقش داشته ایم، و تلاش ما این خواهد بود که آنرا هرچه بیشتر تقویت کنیم.

عقب ماندگی و قهقرای سرمایه داری ایستاده اند. این مبارزه، برای پس راندن و محو این آپارتاید جنسی و دفاع از کلیت آزادی و برابری و حقوق انسانی زنان، یک واقعیت درخشان در جهان امروز است.

زنان در ایران و کشورهای اسلام زده با جنبش بدور انداختن حجاب، با جنبش خلاصی فرهنگی و با جنبش نقد و طرد مذهب در زندگی خود، پلاتفرمی را نمایندگی میکنند که زیر و رو کننده است و پاسخ طرفداران پست مدرنیست و مخالف جهانشمولی حقوق انسانی را در غرب و کل جهان نیز داده است.

بیست و پنج نوامبر به همه دنیا اعلام میکنیم که دنیا تا کنون با زیر پا گذاشته شدن لجام گسبخته حقوق زنان در کشورهای اسلام زده، با صبر و مامشات برخورد کرده و حاکمین موجود در جهان، با حکومتهای اسلامی زن ستیز و زن کش، همراه بوده اند. این روند باید خاتمه یابد. بیست و پنج نوامبر امسال اعلام میکنیم که حکومتهای مبتنی بر آپارتاید جنسی را باید در دنیا محکوم و منزوی کرد و اولین قدم در این راه تحمیل خواست بایکوت سیاسی حکومت اسلامی ایران بعنوان سردمدار آپارتاید جنسی، به همه دولتها است.

حکومت اسلامی ایران را باید بعنوان حکومت مدافع آپارتاید جنسی،

اخلاقیات عقب مانده و پوسیده و ارتجاعی، روزانه از همه جا به گوش میرسد.

نگاهی به دنیای امروز عقبردی که به زنان در طول دهه هادر کشورهای اسلام زده و با تعرض و پیشروی جنبش اسلامی تحمیل شده، در مقابل خود یک صف مستحکم مبارزه و مقاومت را به حرکت در آورده که در عمل جبهه اول مبارزه علیه بی حقوقی زنان در دنیا است. زنان در ایران و عراق و لبنان و عربستان و مصر و در افغانستان و در همه جا، که با حکومتها و داعش های در قدرت مواجه هستند، روزانه برای هر درجه از حقوق و حرمت انسانی خود، مبارزه میکنند و در این راه مظهر مقاومت و قهرمانی بوده و تا همین امروز تأثیرات مهمی در پس راندن جنبش اسلامی داشته اند.

زنان در ایران، کشوری که اولین مرکز به قدرت رسیدن جنبش اسلامی بود، از همان نخستین روز به قدرت رسیدن داعشیان به مقابله با این اختاپوس برخاستند و با شعار جهانشمولی حقوق انسانی و نه به قوانین اسلامی، پلاتفرم جنبشی را اعلام کردند که امروز جهانی شده است. جنبش آزادیخواهانه ای که نه فقط در برگیرنده زنان بلکه در برگیرنده طیف وسیعی از مردانی است که دوش به دوش زنان برای آزادی و برابری و جامعه انسانی مبارزه میکنند و در مقابل تحجر و

این واقعیتی غیر قابل قبول و تکان دهنده است که در قرن بیست و یک هنوز با خشونت و ستمگری و تبعیض و به بند کشیدن زنان یعنی نیمی از انسانها در جهان روبرو هستیم و این سنت کثیف عهد توحش همچنان زنده نگاه داشته میشود. نگاهی به زندگی زنان در اقصی نقاط جهان، نشان میدهد که ما با چه درجه از خشونت و سرکوب و به هیچ انگاشتن حرمت و انسانیت زنان مواجهیم. جامعه سرمایه داری، این زخم و درد متعلق به قرنهای قبل را با خود پدک میکند و نه فقط این، بلکه در کشورهایی با قوانین و حکومت های اسلامی، موقعیت زنان گامها عقبگرد کرده و زنان را در قانون و مقررات و در زندگی روزمره، به موقعیت شهروندان درجه چندم رانده است.

خشونت، شاید کلمه دقیقی در توصیف دنیایی نباشد که در آن زن را کالایی برای تمتع تعریف میکنند و بویژه در کشورهای اسلام زده، هر ردالت و جنایتی را علیه زنان اعمال میکنند و هر نوع مقاومت و مبارزه زنان را با شلاق و زندان و شکنجه و اسید پاشی و سنگسار و جنایت پاسخ میدهند.

مقاومت در مقابل این دنیای وارونه گسترده است و زنان و مردان در سراسر جهان مبارزه میکنند و صدای این اعتراضات برای پس راندن قوانین و مقررات و سنتها و

## در گرامی‌داشت سالگرد تشکیل حزب کمونیست کارگری

یست و نهمین سالگرد حزب کمونیست کارگری ایران نزدیک است، فرا رسیدن سالگرد تاسیس حزب را به همگان تبریک می‌گوینم.

ما در شرایطی سالگرد حزب کمونیست کارگری ایران را گرامی می‌داریم که جامعه ایران آستان تحولات اجتماعی بزرگی است و نیاز نقش رهبری چنین حزبی برای تحقق اهداف رهانبیخش طبقه کارگر و رهایی مردم از ستمگری و سرکوب و توحش سرمایه داری، بیش از هر زمان ضروری و حیاتی است.

بدنبال خیزش آبانماه ۹۸ و پیامد های سیاسی ناشی از آن اکنون سرنگونی جمهوری اسلامی توسط انقلاب بیش از پیش به گفتمان اصلی مردم تبدیل شده است. با قدرت یابی افق انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی ما در شرایط بسیار مناسبی قرار داریم تا تحولات آتی را به سوی یک تحول عمیقاً انسانی، چپ و رادیکال سوق دهیم. این بدون حزب کمونیست کارگری و گرد آمدن به دور این حزب میسر نیست. قدرت کارگران و ستمدیدگانی که در حزب سیاسی خود متشکل شده اند، تنها

نیرویی است که می‌تواند جمهوری اسلامی را به زیر بکشاند، ریشه ظلم و استبداد، نابرابریها و تبعیضات اجتماعی را بخشکند و یک جامعه انسانی و سوسیالیستی را پایه ریزی کند.

از همین رو فراخوان ما در بیست و هشتمین سالگرد حزب این است که در این اوضاع متحول سیاسی به گرد حزب کمونیست کارگری و اهداف انسانی و آزادیخواهانه آن متشکل شویم.

در شرایطی که بورژوازی تمامی جهان را به قهقرا و انحطاط کامل کشانده و میلیاردها انسان را در چنگ فقر و بیحقوقی و جنگ و ناامنی و مذهب و خرافه اسیر کرده است و در ایران نیز حکومت اسلامی سرمایه و چپاولگران فاسد رانت خوار، اکثریت عظیم مردم را از هست و نیست ساقط کرده اند، پیوستن به حزب کمونیست کارگری برای تغییر این اوضاع به نفع اکثریت عظیم جامعه اهمیت بسیار اساسی دارد.

باید به پا خاست و به توحش و بربریت حاکم خاتمه داد. باید به پا خاست و تکلیف این حکومت را که اصلیتترین مانع برسر راه خوشبختی مردم و ساختن

جامعه ای در شان انسان است، یکسره کرد. حزب کمونیست کارگری پاسخ این اوضاع است. حزب ما پرچم تغییر فوری این اوضاع را بدست دارد. به این حزب بپیوندید.

سالگرد حزب را به فرصت برای پیوستن به حزب و شناساندن هر چه بیشتر آن به مردم تبدیل کنید. حزب کمونیست کارگری در عرصه های مختلف نبرد از مبارزه برای بهبود شرایط کار و زندگی کارگران گرفته تا اعتراض علیه آپارتاید جنسی و مبارزه برای رهایی زنان، از بسیج جامعه برای خلاصی از حکومت دینی و خرافات مذهبی تا فقر زدایی و تامین زندگی ایمن برای کودکان و جوانان، از دفاع جانانه از وسیع ترین آزادیهای سیاسی و مدنی تا مبارزه برای لغو اعدام و شکنجه، درگیر کاری بزرگ است که هدفی جز به ثمر نشاندن آرزوهای دیرین مردم یعنی تحقق آزادی، برابری و یک جامعه انسانی ندارد.

در سالگرد تاسیس حزب شما تک تک اعضا و دوستاناران حزب بکوشید در این فعالیتها مشارکت داشته باشید و در همراهی با رهبری حزب این فعالیتهای انسانی را بیشتر

کنید.

در سالهای اخیر بویژه به یمن وجود تلویزیون کانال جدید، طیف وسیعی از مردم چپ و آزادیخواه حول حزب کمونیست کارگری جمع شده اند. در سالگرد حزب بکوشیم که این طیف وسیع را با حزب و تاریخ آن آشنا کنیم. در سالگرد تاسیس حزب با نوشتن مشخصات کانال جدید این صدای آزادیخواهی و انسانیت را وسیعاً به جامعه بشناسانیم.

- در سالگرد حزب با نوشتن شعارهای زنده باد حزب کمونیست کارگری ایران، آزادی برابری حکومت کارگری، زنده باد سوسیالیسم حضور حزبمان را در سطحی وسیع و اجتماعی نشان دهیم.

- در سالگرد حزب جمع ها و محافل حزبی میتوانند به دور هم جمع شوند و این روز را جشن بگیرند. میتوانند در جمع هایشان در مورد تاریخ و اهداف این

مدافعان حقوق بشر در ایران را دادن اجازه فعالیت به آنها بدون هیچ شرطی و بدون هراس از انتقام جویی و فشار و تعقیب قضایی.

لازم به ذکر است که برای سهیل عربی چندین بار پرونده سازی کرده و بر اساس اتهامات واهی برایش احکام جدید صادر کرده اند. سهیل عربی را در شرایط وخیم و بدون دسترسی به درمان و با حق مرخصی در زندانهای مختلف از جمله فشافویه و اوین و رضایی شهر حبس و تحت شکنجه های روانی و فیزیکی قرار داده اند. مادر سهیل، فرنگی مظلوم، را بارها مورد تهدید و اذیت و آزار قرار داده و بر اساس اتهامات

واهی حکم صادر کردند. در مهر ماه امسال سهیل عربی در بند دو الف سپاه در زندان اوین مورد بازجویی های شدید قرار گرفت. در حال حاضر سهیل در زندان رجایی شهر و محروم از درمان بشر میبرد.

سازمان فرانت لاین دفندرز که دفتر مرکزیشان در ایرلند می‌باشد سازمانیست که از مدافعین حقوق بشر حمایت می‌کند. این سازمان کیسهای تعدادی از زندانیان سیاسی در ایران را مورد حمایت قرار داده است. کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در طول سالهای اخیر کیسهای زندانیان سیاسی و وضعیتشان را در



حزب کمونیست کارگری ایران  
Worker-Communist Party of Iran

حزب صحبت کنند. میتوانند به این مناسبت جشن و مهمانی خانوادگی به پا کنند. میتوانند برنامه یک دنیای بهتر و کتابهای حزب را به دوستانشان هدیه کنند. - در هر کجا که ممکن باشد پلاکاردهای زنده باد حزب کمونیست کارگری را بویژه در دانشگاهها و در میادین شهرها میتوان نصب کرد.

با تمام ابتکاراتمان، سالگرد تاسیس حزب روز را گرامی داریم! از فعالیتتان برای این روز ما را با خبر کنید. گزارش فعالیتهایتان در این روز را برپیمان ارسال کنید.

بیست و نهمین سالگرد حزب را از هم اکنون به همه شما رفقا و دوستاناران حزب تبریک می‌گویم.

کمیته سازمانده  
حزب کمونیست کارگری  
چهارم آذر ۹۹ برابر  
با ۲۴ نوامبر ۲۰۲۰



اختیار این سازمان جهت حمایت قرار داده است.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی تمام توان خود را برای جلب حمایت جهانی از آزادی زندانیان سیاسی به بکار میبرد.\*

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی  
۲۳ نوامبر ۲۰۲۰  
سوم آذر ۱۳۹۹

## حمایت سازمان فرانت لاین دفندرز از

### زندانی سیاسی سهیل عربی

شرط سهیل عربی توقف تعقیب قضایی مادر او، اطمینان از منطبق شدن تمام مراحل برخورد با سهیل عربی در زندان بر اساس قطعنامه ۴۳/۱۷۳ مجمع عمومی سازمان ملل مبنی بر «مجموعه اصول برای حمایت از تمامی اشخاص تحت هر شکلی از بازداشت» باشد که در ۱۸ آذر ۱۳۶۷ تصویب شده است، برخورداری سهیل از کانات محافظتی و بهداشتی، تحقیقات فوری و بیطرفانه در مورد شکنجه روانی سهیل عربی و انتشار نتایج آن، توقف هدف قرار دادن

فرانت لاین دفندرز در تاریخ بیستم آبانماه ۹۹ در یک اقدام فوری در حمایت از سهیل عربی نامه ای را به حکومت ایران و مقامات اتحادیه اروپا و گزارشگر سازمان ملل در امور ایران ارسال داشت.

در این نامه سازمان فرانت لاین دفندرز ضمن تشریح وضعیت سهیل عربی، اتهامات وارده به او، شرایطی که سهیل در آن نگهداری میشود از وضعیت سوی ابراز نگرانی کرده و موارد زیر را درخواست کرده اند: آزادی فوری و بدون قید و

## از مینا احدی: کنفرانس با موضوع سرنگونی جمهوری اسلامی و نقش زنان و نقش زنان



**عکس از نشریه Emma متن نیز ترجمه**  
**مختصری از مطلب این نشریه است**

امروز ۲۳ نوامبر، یک فراخوان از سوی دهها نفر فعالین سرشناس مدافع حقوق زنان در آلمان منتشر شد. نویسندگان و تهیه کنندگان اولیه نامه عبارتند از: مینا احدی مسئول نهاد اکس مسلم در آلمان، نیلا چپکی فعال مستقل مدافع انتگراسیون و سیاست در مورد زنان، ربه کاشونن باخ مسئول سازمان زنان برای آزادی. این نامه برای دولت آلمان، وزارت امور خارجه آلمان و مقامات اتحادیه اروپا ارسال شده است. ما میخواهیم با استناد به همبستگی بین المللی جهانی علیه حکومت آپارتاید نژادی، از دنیا بخواهیم حکومت های مدافع آپارتاید جنسی را منزوی و اخراج کنند!

این کمپین مهم است و از شما دعوت میکنیم که اولاً این فراخوان را وسیعاً

دهها شخصیت سرشناس مدافع حقوق زنان، در آستانه روز جهانی اعتراض به خشونت بر علیه زنان، خطاب به دولت‌ها و اتحادیه اروپا، یک فراخوان منتشر کردند، که جوهر آن اینست حکومت آپارتاید جنسی را بایکوت سیاسی کنید! سیاست خودتان را تغییر دهید و بر علیه هر شکلی از خشونت بر علیه زنان اقدام کنید!

دوستان گرامی!

برای دولت آلمان، وزارت امور خارجه آلمان و مقامات اتحادیه اروپا ارسال شده است. ما میخواهیم با استناد به همبستگی بین المللی جهانی علیه حکومت آپارتاید جنسی را منزوی و اخراج کنند!

این کمپین مهم است و از شما دعوت میکنیم که اولاً این فراخوان را وسیعاً

کنفرانس آنلاین با موضوع "سرنگونی جمهوری اسلامی و نقش زنان"

پنجشنبه ۲۵ نوامبر ۲۰۲۰ - ۱۳۹۹  
ساعت ۱۹:۳۰ - ۲۱:۳۰ از ایران

بمناسبت سالگرد عزیزان ۹۸  
و ۲۵ نوامبر، روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان

**مدیر اجرایی:** علی حسینی زکری  
مدیر اجرایی و هماهنگ کننده: زکری

**مدیر اجرایی:** علی حسینی زکری  
مدیر اجرایی و هماهنگ کننده: زکری

**مدیر اجرایی:** علی حسینی زکری  
مدیر اجرایی و هماهنگ کننده: زکری

**مدیر اجرایی:** علی حسینی زکری  
مدیر اجرایی و هماهنگ کننده: زکری

**مدیر اجرایی:** علی حسینی زکری  
مدیر اجرایی و هماهنگ کننده: زکری

کنفرانس به صورت پخش زنده و از طریق آدرس های زیر قابل دسترسی خواهد بود:

0046720681438 @nktamas

منتشر کنید و ثاباً با ما همکاری کنید.  
"لازم به یادآوری است که روز چهارشنبه ۲۵ نوامبر کنفرانسی آنلاینی به نام "سرنگونی جمهوری اسلامی و نقش زنان" برگزار شد. تلاش خواهیم کرد تا در شماره بعدی، گزارشی از این کنفرانس را به چاپ رسانیم."  
انترناسیونال

گوشتان را به زمین بچسبانید و همه میلیونها زن را بپوشانید، به مناسبت ۲۵ نوامبر روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان

**مینا احدی نوامبر ۲۰۱۷**

جنبش برابری طلبانه زنان در کانادا و امریکا و غرب و در همه جا می‌رود به سیستم سرمایه داری که از قبل نابرابری بین زن و مرد سود می‌برد و همچنین به حکومت‌هایی سرمایه داری در کشورهای اسلام زده که به عصای پیغمبر و زن ستیزی عریان مذهبی تکیه کرده اند بگوید، زنان بپا خاسته اند برای بازیابی همه حرمت و انسانیت و حقوق انسانی خودشان و این میتواند نبردی تاریخی ساز و نهایی باشد با کاپیتالیسم و مذهب، با سیستم و قران و شریعت اسلامی که زن را در قرن بیست و یک در قفس کرده و به فروش میرساند.\*

انداخته اند، میخواهند نیست و نابودشان کنند، میخواهند به بردگی بکشانند و فقط از آنها سو استفاده جنسی کنند از دقت کنید در این کشورها میلیونها زن فریاد عصیان سر داده اند و در راس اعتراضشان، پس زدن این چادر سیاه را می بینید و عربانی زنان را، زنانی که میگویند با نمایش عریان بدنم میگویم هستم و انسانم و تو را و مذهب ات و قوانین ات و الله ات را قبول ندارم. این عصیان تاریخ سازی است که میتواند بشریت را گامها جلو ببرد. از نظر من نبرد مهم بین المللی در دفاع از حقوق زنان در این کشورهای اسلام زده در جریان است و جنبش نوین زنان در این کشورها دست در دست

چاقویی در دست سراغ شما بیاید و قتل در خانواده اتفاق بیفتد، امری که بیشتر از سرطان و یا تصادف در جاده ها از زنان قربانی میگردد. آری در مورد خشونت بر علیه نیمه بشریت حرف میزنیم. اما اگر دقت کنید زنی که از کابل و تهران فریاد میزند با زنی که از تورنتو و نیویورک فریاد دادخواهی سر میدهد تفاوت‌های فراوانی دارند. زن کابلی و تهرانی، در مقابل خود حکومتی را دارد که قتل جزو قوانین آنست و مرد سالاری و زن ستیزی را می ستاید و به زن کشی جایزه میدهد. اصلاً قوانین اش نماد بارز ضدیت با زنان است. پس در نیمه ای از این دنیا در آن جاهایی که جنبشی اسلامی و اسلام و شریعت در قدرت هستند که اینها حداقل چهار دهه است که حضور نکبت بارشان عیان و آشکار هست، زنان همه چیز خود را از دست داده اند. در این بخش از کره زمین پارچه سیاهی روی انسانیت و زیباییها و فکر و حرمت زنان

## به مناسبت ۲۵ نوامبر روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان

تاریخ یک قرن مبارزه برای پس راندن مرد سالاری و قوانین و سنت‌های زن ستیزانه تا آنجا پیش رفته که زنان حق دخالت در سیاست را یافته و حداقل در همه جا حق رای بدست آورده اند و با سنت شکنی و کرسست سوزاندن و انقلاب جنسیتی توانسته اند در محیط های اجتماعی نیز حضور یافته، در زندگی خصوصی و روابط خود تصمیم گیرنده شده و در اجتماع نیز حضور بدون مزاحمت پیدا کرده و خیابانها را تا حدودی فتح کنند. البته که فرقی نمیکند هنرپیشه سرشناس هالیوود باشید یا وزیر امور خارجه سوئد و یا زنی از افغانستان و یا ایران، خشونت و تعرض جنسیتی میتواند برای همه شما اتفاق بیفتد و فرق نمیکند ساکن تورنتو در کانادا و یا مالمو و یا برلین و کابل و یا مکه و کربلا باشید، ممکنست همسر و پارتنر شما با

گوشتان را به زمین بچسبانید و همه میلیونها زن را بشنوید، نه میلیون بلکه میلیاردها زن را که تفاوتی نمیکند کجا و در کدام منطقه به دنیا آمده باشند، بدلیل زن بودن، تقریباً همه آنها نوعی از خشونت بر علیه زنان را تجربه کرده اند. فردا روز اعتراض به این خشونت‌ها است که از خشونت کلامی و روانی آغاز شده و با مثله جنسی شدن، کتک و خشونت و دستگیری و شکنجه و تعرض جنسی و تجاوز و قتل پایان می یابد. گوشتان را به زمین بچسبانید تا ببیند که به قدمت تاریخ، مبارزه ای روزمره و جانانه با مردسالاری در اعماق این جوامع در جریان است. هر آنجا که جنبش های اجتماعی و کارگری و زیر و رو کننده قدرتمند بوده اند، جنبش برای آزادی و حرمت زنان نیز گسترده تر و متعین تر شده است.



از صفحه ۳

## پسا انتخابات آمریکا و پدیده ...

بوده است و نه حزب دمکرات و ادعایش هم این است که علیه سیاستمداران حرفه ای است و میخواید باتلاق واشنگتن را خشک کند. چهره ای از خودش تصویر کرده بود که یک "بیزینس من" موفق است و مخالف سیاستمداران حرفه ای است و میخواید سیستم حکومتی را از دست این سیاستمداران نجات بدهد. در مواردی علیه برخی از دستگاههای حکومتی هم موضع گرفت، مسئولین اف بی ای را بزرگ سؤال برد، علیه ناتو صحبت میکرد، بسیاری از تصمیمات دولت اوباما را لغو کرد، از پیمانهای جهانی بیرون آمد و غیره. این مواضع و عملکرد که خارج از نرمها و چهارچوب متعارف سیاسی در آمریکا بود، این تصویر را بدست میداد که ایشان ضد سیستم موجود است. و این برای مردم جذاب بود. یکی دوسال قبل از انتخابات ۲۰۱۶، در نتیجه همه پرسی که هفته نامه اکونومیست انجام داده بود معلوم شده بود که نزدیک به هشتاد درصد از مردم آمریکا هیچ یک از دو حزب جمهوریخواه و دموکرات را قبول ندارند و ضد سیستم موجود

a n t i - (establishment) هستند. این نظر و روحیه عمومی جامعه آمریکا بود که نشریه اکونومیست در مقاله مشروعی با تیتر "دموکراسی بیمار" آنرا بررسی کرده بود. این مقاله با آمار و ارقام واقعی نشان میداد که چطور مردم آمریکا از سیستم سیاسی آن کشور مایوس و دلزده شده اند. ترامپ این دلزدگی و یاس از سیستم موجود را نمایندگی میکرد منتهی با مواضع و سیاستهای راست افراطی و فاشیستی، ولی اساسا نه فاشیسم ترامپ، بلکه همین گرایش عمومی ضدیت با سیستم و سیاستها و سیاستمداران متعارف به

کمک او آمد و توانست رئیس جمهور بشود. در این دوره هم بایدن سیاستهای متعارف را نمایندگی میکند و چهره ای نیست که میسر هیچ نوع تغییری در سیستم موجود باشد. بایدن رای آورد چون اکثریت جامعه آمریکا میخواست از شر سیاستهای آشکارا فاشیستی و ضدبشری ترامپ رها شود اما بیش از چهل درصد هم همچنان به ترامپ رای دادند چون دل خوشی از سیاستها و سیاستمداران متعارف نداشتند. بایدن حتی به جناح چپ حزب دمکرات متعلق نیست بلکه جناح میانه متمایل به راست در این حزب را نمایندگی میکند. رهبر جناح چپ برنی ساندرز است که در انتخابات مقدماتی نتوانست بجائی برسد.

ازینرو باید گفت رای بالای ترامپ اساسا به این خاطر است که بایدن بازگشت به وضعیت متعارف را نمایندگی میکند. از سوی دیگر بخشی از جامعه هم منافعش ایجاب میکند پشت ترامپ باشد. کلان سرمایه داران و نیروهای فاشیست و طرفداران برتری سفید و کولوس کلان، نیروهای مذهبی، نیروهای ضد مهاجر و نیروهای ارتجاعی از این قبیل. اما نکته اصلی اینست که جامعه آمریکا همچنان میخواید سیاست و سیاستمداران متعارف و حرفه ای که بوسیله دو حزب جمهوریخواه و دموکرات نمایندگی میشود را کنار بزند و وضعیت موجود را تغییر بدهد و ترامپ از همین گرایش استفاده و بهترست بگوئیم سوء استفاده میکند تا سیاستهای "نامتعارف" اما فوق ارتجاعی اش را به پیش ببرد.

سیما بهاری: فکر میکنید با آمدن بایدن بعنوان رئیس

جمهور، سرنوشت سیاسی ترامپ و ترامپیسم چه میشود؟

حمید تقوائی: به نظر من ترامپ و ترامپیسم علت وضعیت سیاسی حاضر در آمریکا نیست بلکه معلول این وضعیت است. ترامپیسم ورشکستگی و سترونی "دموکراسی بیمار" را نمایندگی میکند. دموکراسی آمریکا اساسا حول دو حزب بنا شده. دو حزبی که آنقدر پول و امکانات دارند که انتخاباتی تبلیغات کنند و شانس برنده شدن داشته باشند. و این دو حزب دو رکن اصلی سیستم حکومتی و وضعیتی هستند که جامعه آمریکا دیگر امیدی به آن ندارد. جامعه ای که از سیاستمداران حرفه ای و خط متعارف و سیاستها و تصمیمگیریها و مواضع و اقدامات همیشگی این دو حزب نومید شده و راه بجائی نمیرد.

میدانید که در جامعه آمریکا عظیم ترین شکاف بین فقر و ثروت وجود دارد و این شکاف هر روز بیشتر و عمیق تر میشود. نابرابری و تبعیض علیه مهاجرین و سیاهپوستان بیداد میکند و پول و قدرت وال استریت همه چیز را تعیین میکند. در جنبش اشغال که حدود ده سال قبل در آمریکا و اروپا شکل گرفت یک شعار این بود که مقدرات ما در دست وال استریت و ارتش و کنگره است اما اینها ما مردم را نمایندگی نمیکند. جوانان علیه همه اینها میدانند و میخواستند وضع تغییر پیدا کند. این گرایش و خواست هنوز در جامعه آمریکا قوی و گسترده است. اکثریت مردم و بخصوص جوانان میدانند که دموکراسی پارلمانی و شرایطی که هر حزب برای بدست آوردن آرا باید صدها میلیون دلار در کمپینهای انتخاباتی خرج کند تا شانس پیروزی داشته باشد و مردم ناگزیرند از میان چنین حزبی انتخاب کنند، این شرایط به آزادی مردم منجر نخواهد شد. در این



شرایط است که یک شارلاتان و دلقک سیاسی بجلو رانده میشود. انتخاب بایدن ترامپ را از کاخ سفید اخراج میکند ولی ترامپیسم را از بین نمیرد. اگر یک حزب و سیاستمداری میبود که از زاویه چپ، از زاویه ترقی خواهی و پیشرفت و برابری طلبی و تامین رفاه برای همگان و غیره پرچمی را بلند میکرد ترامپ امکان ابراز وجود پیدا نمیکرد. ولی چنین جریان چپی پول و امکان مادی شرکت در انتخابات را نمیتوانست داشته باشد. در همین انتخابات بایدن و ترامپ ۱۴ میلیارد دلار خرج کردند. انتخابات در آمریکا به یک نوع مسابقه میان بودجه های کمپینهای انتخاباتی این دو حزب تبدیل شده. در چنین سیستمی هر حزب و نیروی، هر اندازه هم که حرف دل مردم را بزند، اگر پول و امکانات نداشته باشد نمیتواند بجائی برسد. اساسا مساله اینست که آزادی از درون این دموکراسی بیمار بیرون نمی آید. این که هر چهار سال یکبار با صرف میلیونها و میلیاردها مردم را پای این یا آن صندوق رای بکشاند به آزادی مردم منجر نمیشود. جامعه آمریکا این را میداند ولی در چهارچوب سیستم موجود راهی بجلو ندارد. ترامپیسم به نظر من زائیده این شرایط است.

سیما بهاری: اجازه بدهید در فرصت باقی مانده به انعکاس ماجرای ترامپ در اوضاع ایران هم بپردازیم. نیروهای راست

ادامه در صفحه ۱۰

برای برپائی و ساختن جامعه ای شاد و مرفه به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید.

## پسا انتخابات آمریکا و پدیده ...

را قبول کند کاری خواهد کرد که از نظر اقتصادی مشکلاتش حل بشود و موقعیت با ثباتی پیدا کند. علیرغم اینها لغو برجام و تشدید تحریمها ظاهرا باعث شده تا نیروهای اپوزیسیون راست به حامی دو آتشه ترامپ تبدیل بشوند و با هر نوع اعتراض پیشرونی در جامعه آمریکا مثل جنبش نمیتوانم نفس یکشم مخالفت کنند و در کنار فاشیستهای رسوائی نظیر نیروهای برتری طلب سفید قرار بگیرند.

این را دیگر نمیشود پذیرفت که در غلطیدن به چنین مواضعی بخاطر مخالفت ترامپ با جمهوری اسلامی است. در جریان این انتخابات اتفاقی افتاد که به روشنی نشان میدهد تعلق جریانات اپوزیسیون راست ایرانی به ترامپسم فراتر از موضوع برخورد به جمهوری اسلامی است. بعد از اعلام نتایج انتخابات اخیر آمریکا روسیه و چین، بر خلاف دولتهای اروپایی و چند دولت دیگر، فوراً انتخاب بایدن را به رسمیت نشناختند بلکه اعلام کردند منتظر نتایج دادگاههای بررسی صحت انتخابات میمانند و کلاً حدود دو هفته طول کشید تا انتخاب بایدن را تبریک بگویند. در این فاصله خیلی از سلطنت طلبها و طرفداران دیگر نیروهای اپوزیسیون راست در مدیای اجتماعی به مداحان پوتین تبدیل شدند. گفتند زنده باد پوتین که نتیجه انتخابات را قبول نکرد! پوتینی که دستش در دست جمهوری اسلامی

ضد سیاهپوست و ضد مهاجر است، رئیس جمهوری که حتی فاجعه شیوع ویروس کرونا و کشتار آن در آمریکا را، که اساساً حاصل سیاستهای خود اوست، انکار میکند و حتی استفاده از ماسک را به تمسخر میگیرد! بجای اینکه از برکناری چنین رئیس جمهوری خوشحال باشند به کمپین تئوری توطئه و دروغ و انکارش در مورد انتخابات می پیوندند! واقعا شرم آور است. انسان یکبار دیگر متوجه میشود که اپوزیسیون راست تا چه سطحی میتواند سقوط کند و در منجلاب فرو برود.

این را هم اضافه کنم که حتی این نظر هم که با آمدن بایدن جمهوری اسلامی تقویت میشود حرف پوچی است. به نظر من آمدن بایدن نه تنها دردی از جمهوری اسلامی دوا نمیکند بلکه بر عکس، توجیحات و بهانه های رژیم که همه مشکلات اقتصادی و حتی فاجعه کرونا را به گردن تحریمهای اقتصادی می انداخت از دستش گرفته میشود. بیش از پیش معلوم میشود که منشا وضعیت نابسامان مردم و فقر و فلاکت و بی تامینی اقتصادی خود جمهوری اسلامی است. بیش از پیش بر همه روشن میشود که توقف برجام و تشدید تحریمها باعث این وضعیت نبوده است. از این نقطه نظر کنار رفتن ترامپ اجازه میدهد که رژیم عریان تر و بی پرده تر و رسواتر در مقابل مردم قرار بگیرد و شرایط مساعدتری فراهم میشود برای آنکه مردم بلند شوند و با این حکومت تعیین

تکلیف کنند.

**سیما بهاری:** بجز جریانات و احزاب سیاسی راست، در ایران هم به کسان زیادی بر میخوریم که طرفدار ترامپ بودند چرا که بنظر آنها سیاست های او تندتر علیه جمهوری اسلامی بود. نظر شما چیست؟ صحبت تان با این دسته از مردم چیست؟

**حمید تقوائی:** به نظر من کسانی که اینطور فکر میکنند کاملاً اشتباه میکنند. شاید تحت تأثیر همین جوی که نیروهای راست بوجود آورده اند قرار گرفته اند یا در هر حال اینطور فکر میکنند که سیاست ترامپ تضعیف و کنار زدن جمهوری اسلامی بوده است که همانطور که توضیح دادم خود او هیچوقت چنین ادعائی نداشته است.

نکته مهمتر اینکه مسائل مردم ناشی از تحریمها نیست که حتی اگر فرض کنیم بایدن بخواد به برجام برگردد دردی از مردم دوا خواهد شد. من بارها این را یادآوری کرده ام که خیزش توده ای که در ۹۶ اساساً علیه فقر شکل گرفت در دوره ای بود که برجام هنوز پابرجا بود. چند سال از برجام میگذشت و هنوز هم تحریمهای ترامپ جاری نشده بود و با این حال فقر و فلاکت چنان گسترش یافته بود که آن خیزش توده ای عظیم در ده ها شهر سر بلند کرد. مردم از برجام نصیبی نبرده بودند. برجام حتی باعث نشده بود دستمزدهای عقب افتاده را پرداخت کنند. بحران اقتصادی حکومت و وضعیت معیشتی مردم نه تنها بهتر نشد بلکه بسیار وخیم تر شد، گرانی و

بیکاری بیداد کرد، ریال بی ارزش تر و بی ارزش تر شد و نهایتاً جامعه به مرز انفجار رسید. بنابراین حتی اگر فرض کنیم بایدن به برجام برگردد تازه شرایطی مثل ۹۶ و بدتر از آن خواهیم داشت.

مشکلات مردم ایران ریشه در نفس وجود جمهوری اسلامی دارد. همانطور که مردم بارها شعار داده اند "دشمن ما همین جاست". فروپاشی اقتصادی حکومت و وضعیت غیر قابل تحمل مردم بخاطر تحریمهای اقتصادی و یا رابطه با دولتهای دیگر نیست. این سیاستهای جمهوری اسلامی است که چنین شرایطی را ایجاد کرده است و نفس وجود چنین رژیم است که باعث میشود اعتراضات و خیزشهای توده ای در ایران همچنان ادامه داشته باشد.

با این تفاوت که همانطور که گفتیم این بار دیگر بهانه تحریمهای اقتصادی و فشارهای ترامپ هم از دست رژیم گرفته شده است. ما همیشه گفته ایم و مردم هم در تجربه دریافته اند که نیروی پایان دهنده به این وضعیت خود مردم و جنبشها و اعتراضات و اعتصابات و تظاهرات کارگران و زنان و جوانان و بخشهای مختلف جامعه است. این نه رابطه رژیم با دولتها بلکه رابطه جمهوری اسلامی با جامعه در خود ایران است که تعیین کننده است. این رابطه هر روز در جهت تضعیف بیشتر حکومت و تقویت جنبشها و اعتراضات مردم علیه جمهوری اسلامی به نفع توده مردم تغییر میکند و فکر میکنم این روند همچنان ادامه خواهد داشت و تشدید خواهد شد.\*



آنها باید لغو شود و همراه با سران حکومت باید به دادگاه کشانده شوند. لیست جرایم مقامات حکومت طولانی است، و محاکمه هر فرد حکومتی محاکمه یک سیستم سرکوب و جنایت، محاکمه یک نظام

### از مدیای اجتماعی حزب

استثمارگرانه همراه با انواع و اقسام جنایت است.

## دادگاه اسدالله اسدی در بلژیک

مصونیت دیپلماتیک داشته و حاضر نشد به دادگاه برود اما دادگاه با حضور وکیل او برگزار میشود. این اولین محاکمه دیپلمات های جمهوری اسلامی در خارج است. همه دیپلمات های جمهوری اسلامی شریک تروریسم و کل ماشین جنایت حکومتند، مصونیت دیپلماتیک همه

خبرنگاران در مقابل دادگاه جنایی آنتورپ در بلژیک جمع شده اند تا از محاکمه تروریست های جمهوری اسلامی، گزارش تهیه کنند. اسدالله اسدی متهم اصلی، نسیمه نعمی، ۳۶ ساله، امیر سعودی، ۴۰ ساله و مهرداد عارفانی ۵۷ ساله از متهمان این پرونده اند. اسدی گفته است

حزب کمونیست  
کارگری ایران

۱۳۹۹ آذر ۸  
۲۷ نوامبر ۲۰۲۰



جاهلیت و توحش را برای همیشه به زباله دان بیندازند. ما همه کارگران و دانشجویان و زنان و بازنشستگان و کلیه سازمانهای سیاسی و نهادهای کارگری و مردمی را به اعتراض قاطعانه به حکم شلاق علیه داود رفیعی کارگر ایران خودرو فرا میخوانیم. باید متحدانه کاری کنیم که از این گستاخی علیه کارگران پشیمان شوند.

**نابود باد حکومت اسلامی!**

**زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری!**

**حزب کمونیست کارگری ایران**  
۷ آذر ۱۳۹۹، ۲۷  
نوامبر ۲۰۲۰

## حکومت شلاق را سرنگون خواهیم کرد شلاق زدن داود رفیعی کارگر ایران خود رو را شدیداً محکوم میکنیم

براند. اما این یک تلاش پوچ و عبث است و تا همینجا عکس العمل جامعه نشان میدهد که با این نوع احکام و گستاخی ها، خشم و انزجار عمومی علیه مافیای اسلامی حاکم گسترش بیشتری یافته و این نوع اقدامات پاسخ محکمی از جانب مردم خواهد گرفت. صدای حق طلبی داود رفیعی نه فقط با شلاق اسلامی خاموش نمیشود، بلکه رساتر از پیش به گوش همه مردم میرسد.

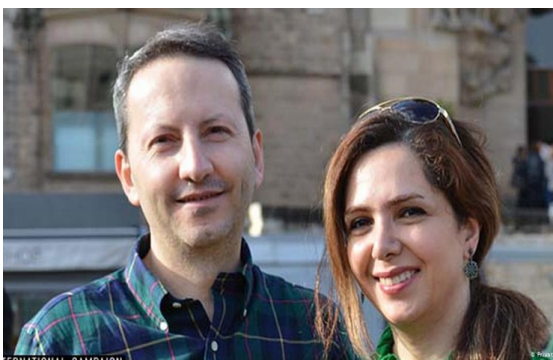
شلاق جزئی از قوانین کتیف مجازات اسلامی مفتخوران حاکم است که نه تنها کارگران بلکه بسیاری از زنان و معلمان و دانشجویان و جوانان معترض را به آن محکوم کرده اند. اما جز انزجار عمومی چیزی نصیب جنایتکاران حاکم نشده است.

حزب کمونیست کارگری این گستاخی حکومت را شدیداً محکوم میکند و فعالانه برای بسیج کارگران و مردم در ایران و در

سیستم قضایی شان را بیشتر کرد. وقتی که این کارگر برای پیگیری پرونده اش به دادسرای حکومتی مراجعه کرد بدون اینکه حکم کذایی اسلامی قطعی شده باشد در مورد او به اجرا گذاشته شد.

جمهوری اسلامی حکومت یک باند مافیائی سرمایه داران بی خاصیت و مفتخور و حریص است که نان شب کارگران را بالا میکشد و با قلدری و اخراج و نپرداختن دستمزد و تحمیل شرایط برده وار کار بر کارگران به حیات ننگین خود ادامه میدهد. و وقتی که کارگر اعتراض میکند شلاق و دار و زندان و شکنجه گرانش را علیه کارگران و مردم وسط میکشد. شلاق زدن به تن کارگر معترض تعرضی به کل طبقه کارگر و مردم است. حکومت جانپان اسلامی با این توحش به سیم آخر زده و میخواهد به خیال خود فضای گسترده اعتراض و حق طلبی و سرنگونی طلبی را عقب

روز ششم آبان جمهوری اسلامی کارگر معترض، داود رفیعی کارگر اخراجی ایران خودرو، را به جرم حق طلبی و اعتراض به اخراج کارگران و اجحافات مفتخوران سرمایه دار، ۷۴ ضربه شلاق زد. گناه داود رفیعی این بود که مدتی پیش به اخراج خود از کار اعتراض کرده بود و شعار مرگ بر وزیر کار سر داده بود و قضاوت حکومت حکم شلاق برای او صادر کرده بودند. مقامات تلاش کرده بودند بارشوه او را به سکوت بکشانند و از جمله ربیعی وزیر کار پیشنهاد ۲۰۰ میلیون تومان رشوه به او داد که داود رفیعی نه تنها آنرا قبول نکرد بلکه این تلاش حکومت را در پلاکاردی در مقابل وزارت کار به نمایش گذاشت. این افشگری ها و نقش او در دفاع از کارگران اخراجی و محبوبیت او در میان کارگران خشم مقامات و



احمد رضا جلالی به اتهام "محاربه" و "همکاری با دولت اسرائیل" به اعدام محکوم شده است. اتهامی که از سوی احمد رضا جلالی قویاً رد شده است.

جمهوری اسلامی تاکنون انسانهای زیادی را به دلایل واهی و ساختگی اعدام کرده است. دادرسی عادلانه تحت حاکمیت جمهوری اسلامی بی معناست. سیستم قضایی جمهوری اسلامی اصولاً ربطی به عدل و داد و دادگستری و مجازات و قوانین قضایی مدرن ندارد و کاملاً ضد بشری و محکوم است. همسر و دو فرزند احمد رضا جلالی که در سوئد زندگی می کنند با نگرانی وضعیت وی را دنبال کرده

## احمد رضا جلالی با خطر

### قریباً الوقوع اعدام روبروست.

### حکم اعدام وی باید فوراً ملغی شود!

را دارد، من امروز با وزیر خارجه ظریف صحبت کردم. "سوئد حکم اعدام را محکوم می کند و برای اطمینان از اجرا نشدن حکم جلالی تلاش می کند."

احمد رضا جلالی که شهروند سوئد است در زمینه پزشکی بحران تخصص دارد و در آوریل ۲۰۱۶ به دعوت دانشگاه های تهران و شیراز برای برگزاری یک کارگاه مدیریت بحران به ایران سفر کرد و دستگیر شد.

ویدا مهران نیا، همسر احمدرضا جلالی، پزشک و پژوهشگر ایرانی- سوئدی، به رادیو فردا گفت همسرش روز سه شنبه (۴ آذر ۱۳۹۹) در تماس تلفنی با او خبر داد که قرار است برای اجرای حکم اعدام به زندان رجایی شهر کرج منتقل شود.

بعد از انتشار این خبر آن لاینده وزیر خارجه سوئد در توییته نوشت: "در پرتو گزارش هایی دایر بر اینکه ایران قصد اجرای حکم اعدام جلالی شهروند سوئد

محکوم به اعدام شده بود. ما خواهان لغو فوری اعدام احمد رضا جلالی هستیم.\*

**کمیته بین المللی علیه اعدام**

۲۴ نوامبر ۲۰۲۰

اند و خواهان فشار جهانی برای توقف اعدام او بوده اند.

کمیته بین المللی علیه اعدام پیش از این با ارسال نامه به وزارت امور خارجه سوئد خواهان اقدامات جدی تر دولت سوئد برای نجات این

**دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم،**

**بدون خطر سوسیالیسم، به چه منجلابی بدل میشود! منصور حکمت**





## برگزاری مراسم 25 نوامبر روز جهانی خشونت علیه زنان در فرانکفورت آلمان



شهروندان را به دلیل اعتقاداتشان سرکوب میکند



علیه ستم به شهروندان بهائی و یا منتسب به بهائیت اعتراض کنیم!

22 نوامبر 2020

از مدیای اجتماعی حزب

حزب کمونیست

اموال عمومی غصب شده توسط آنها را مصادره و صرف نیازهای مردم می کنیم.\*

مجرم است.  
در اولین روز سرنگونی حکومت اسلامی، پایان هر نوع حکومت مذهبی را برای همیشه اعلام میکنیم. دست مذهب را از زندگی مردم، از دولت، آموزش و پرورش و از سیستم قضائی کوتاه میکنیم. مذهب رسمی را لغو و مذهب و بی مذهبی را امر شخصی مردم اعلام میکنیم و به هر نوع دخالت دولت و مراجع مذهبی در اعتقادات شخصی و زندگی خصوصی مردم پایان میدهیم. حکومت بعدی حکومتی سکولار، آزاد و برابر خواهد بود.

علاوه بر این، کلیه کمک های مستقیم و غیر مستقیم دولتی به مساجد، امامزاده ها، آیت الله ها و کلیه مراجع مفتخور مذهبی را فوراً قطع میکنیم و تمام

## هجوم به خانه های شهروندان بهایی جنایتی به قدمت عمر جمهوری اسلامی است

جمهوری اسلامی کسانی که از دین اسلام رویگردان میشوند مجرم اند. میلیونها نفر بی مذهب مجرمند. رنگین کمانی ها مجرمند. زنان مجرمند. کسانی که مشروب میخورند مجرمند. کسانی که به این نظام و جنایاتش اعتراض میکنند مجرمند. میلیون ها نفر دیگر هم بدلائل مختلف مجرمند. یعنی بیش از ۹۰ درصد مردم مجرمند. یعنی حکومتیان فقط خودشانند و یک مشت اقلیت دزد و مفتخور. بیجهت نیست که هر اعتراض و حرکتی را تحریک دشمنان میدانند. مذهب امر شخصی افراد است. داشتن اعتقاد مذهبی یا نداشتن مذهب جرم نیست. حکومتی که

طبق گزارشاتی نهادهای سرکوب جمهوری اسلامی به خانه بیش از ۱۰ نفر از شهروندان بهایی در تهران، کرج، اصفهان و مازندران هجوم برده و لوازم شخصی آنها مانند کامپیوتر و برخی کتب مذهبی شان را مصادره کرده اند. عقیف نعیمی، شهرام و طاهر صفاجو و نیکی خانجانی از جمله شهروندانی بودند که خانه هایشان مورد تهاجم قرار گرفته است. شهروندان منتسب به بهائیت از نظر جمهوری اسلامی مجرم اند و با آنها مثل مجرم برخورد میشود. اخیراً گزارشات متعددی در مورد تبعیض علیه دانشجویان منتسب به بهائیت منتشر شد. از نظر

## تخلیصی از اطلاعیه های خبری

## اعتراضات کارگران بندرامام و شرکت اکسیر پارس جنوبی وابسته به نفت...

روز ۵ آذر جمعی از کارگران تخلیه و بارگیری بندرامام در اعتراض به عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و مزایایی چون حق بدی آب و هوا و شرایط اقلیمی، پرداخت نشدن کامل مطالبات، شرایط سخت کاری و رعایت نشدن پروتکل های بهداشتی مقابله با کرونا دست به تجمع اعتراضی زدند. قبل از آن نیز در روز سوم آذر بخشی از کارگران این شرکت که خارج از شیفت کاری شان بودند، نسبت به عدم اجرای وعده های داده شده از سوی کارفرما و شرایط اسفناک کاری خود دست به اعتراض زدند.

## مستقیم شدن قرارداد ۲۷۰۰ کارگر پیمانی ایران خودرو و چند خبر

بنا بر خبرهای منتشر شده بدنبال اعتراضات گسترده کارگران پیمانی ایران خودرو به شرایط برده وار کار و قراردادهای پیمانی، مدیریت شرکت عقب نشینی کرد و قراردادهای کاری این کارگران را به قرارداد مستقیم با شرکت تغییر داد. کوتاه شدن دست پیمانکاران از سر این کارگران یک موفقیت مهم برای آنهاست و بدون شک تاثیرات خود را بر کنار زدن پیمانکاران این دلالان مفتخور و چپاولگر در محیط های دیگر کار نیز خواهد گذاشت. طبق همین گزارشها در اواسط آبان در جلسه ای با حضور مدیرعامل و ۱۳ نفر از نمایندگان کارگران پیمانی از سالن رنگ، تعمیرات قالب، نیروی محرکه، سالن بدنه سازی، سالن پرس... این تصمیم اتخاذ و قرارداد ۲۷۰۰ کارگر پیمانکار به قرارداد مستقیم با شرکت ایران خودرو تبدیل گردید. زیر فشار اعتراضات کارگران مدیر عامل ایران خودرو وعده داده است که کارگران پیمانی در تمامی زیر مجموعه های ایران خودرو بصورت قرارداد مستقیم در خواهند آمد.

بنا بر خبر منتشر شده در روز شنبه ۱ آذر، درخواست اعاده دادرسی کامران ساختمانگر فعال کارگری در سندانج، در دیوان عالی کشور رد شد. کامران ساختمانگر پیشتر با اتهامات مختلف امنیتی به ۶ سال حبس محکوم شده و این حکم در دادگاه تجدیدنظر عینا تایید شد و بالاترین حکم او ۵ سال است که اجرایی خواهد شد. باید وسیعا به احکام امنیتی صادره برای فعالین کارگری و معلمان و تمامی زندانیان سیاسی اعتراض کرد. پرونده های امنیتی

تشکیل شده برای تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً لغو گردد.

## تجمع کارگران هفت تپه در اعتراض به نپرداختن طلبهای مزدی و عملی نشدن دیگر مطالباتشان

روز سه شنبه ۴ آذر کارگران بخش های مختلف شرکت هفت تپه در اعتراض به عدم دریافت مطالبات مزدی، در محوطه این شرکت دست به تجمع زدند. روز قبل نیز کارگران فصلی نیشکر هفت تپه در اعتراض به اخراج ها به بهانه اتمام قراردادهایشان، مقابل دفتر مدیریت تجمع داشتند. کارگران بر خلع ید از بخش خصوصی نیشکر هفت تپه و گسیل یک نفر از سوی دولت و اداره شرکت تحت نظارت و مشورت خود کارگران تاکید دارند. کارگران میگویند این به تاخیر انداختن ها و نپرداختن به موقع دستمزدها و اخراجها بر اعتراضات آنها شدت میدهد. کارگران نیشکر هفت تپه کوتاه شدن دست چپاولگران بخش خصوصی را یک قدم مهم در جهت تامین معیشت و امنیت شغلی خود میدانند. این کارگران خواستار فوری طلب مزدی و تمدید دفترچه های بیمه خود، توقف اخراجها و بازگشت به کار تمامی کارگران اخراجی، بسته شدن پرونده های امنیتی تشکیل شده برای کارگران و پایان دادن به سنگ اندازی های دارو دسته های باند مافیایی اسدیگی در کارخانه هستند و متحدانه در مقابله تفرقه افکنی ها ایستاده اند. کارگران نیشکر هفت تپه با اتکاء به تصمیم گیری شورایی مبارزاتشان را به پیش میبرند. از خواستها و اعتراضات این کارگران باید وسیعا حمایت و پشتیبانی کرد.

## اعتصاب بخش ام دی اف نیشکر هفت تپه و سه خبر دیگر

روز ۶ آذر کارگران MDF در نیشکر هفت تپه بخاطر عدم پرداخت حقوق و مزایای خود اعتصاب کردند. اینجا همان سوله با



تن نداده و هنوز قرار داد را امضا نکرده اند. این در حالیست که هر یک از کارگران دو تا سه ماه حقوق از شهرداری طلبکارند.

روز ۴ آذر بار دیگر جمعی از کارگران اخراجی شهرداری زنجان با خواست بازگشت به کار مقابل شهرداری این شهر تجمع کردند. بنا بر خبرها تعداد ۱۷۴ کارگر شهرداری زنجان اواخر تابستان سال جاری به بهانه های مختلف از کار اخراج شده و همچنان در بلا تکلیفی شغلی و معیشتی بسر میبرند. این کارگران دارای بیش از ۴ سال سابقه کاری بوده و چندین ماه دستمزد طلب دارند. در همین روز کارگران شهرداری منطقه دو خرم آباد در اعتراض به عدم پرداخت چندین ماه دستمزد خود مقابل شهرداری این شهر تجمع داشتند. اعتراضات در میان کارگران شهرداری ها گسترده است و تعویق کشنده است و تعویق دائمی پرداخت دستمزدها، قراردادهای موقت کاری و نداشتن امنیت شغلی، عدم رعایت پروتکل های بهداشتی در مقابله با بیماری مهلک کرونا و دستمزدهای نازل از جمله موضوعات اعتراضات آنهاست. گسترده گی اعتراضات در میان کارگران شهرداری بستر مناسبی برای ایجاد شورای هماهنگی اعتصاب و رفتن بسوی اعتصابات سراسری در میان آنهاست.

روز ۳ آذر بدنبال اعتراضات کارگران راه آهن تراورس یکماه حقوق و مزایای کارگران پرداخت ادامه در صفحه ۱۴

مقداری وسائل و ماشین اسقاطی است که در برابر پولهای به سرقت رفته بعنوان دایر شدن مرکزی کاری وسیله تبلیغاتی اسدیگی و باند او بوده است. در ام دف اف حقوق کارگر را نمیدهند و اگر هم داده میشود نصف نیمه پرداخت میشود. از مزایای شغلی خبری نیست و بیمه هم رد نمیشود. روز ۴ آذر نیز کارگران بخش های مختلف شرکت هفت تپه در اعتراض به عدم دریافت مطالبات مزدی، در محوطه این شرکت تجمع داشتند. در نتیجه این حرکت اعتراضی به کارگران وعده داده شد که روز دوشنبه دهم آذر مزد مهر ماه کارگران پرداخت میشود. بعلاوه ۳۵ نفر از کارگران فصلی که در داخل کارخانه نیز کار فی میکردند اخراج شده اند. در اعتراض به این موضوع کارگران نیشکر هفت تپه در روز سوم آذر تجمع داشتند که به آنها وعده بازگرداندن به کار این کارگران داده شده است. بدین ترتیب کارگران نیشکر هفت تپه در جدالی هر روزه بر سر زندگی و معیشتشان بوده و پیگیر وعده های داده شده و خواسته هایشان هستند.

روز ۵ آذر کارگران سد معبر شهرداری فردیس برای چندمین بار در اعتراض به تبدیل قراردادهایشان به پیمانی و برای حذف شرکت پیمانکاری، مقابل ساختمان شهرداری و دفتر پیمانکار تجمع کردند. بنا بر خبرها علیرغم پافشاری مدیران شهری فردیس برای تبدیل وضعیت استخدامی آنها به پیمانی تعدادی از کارگران

## تلخیصی از اطلاعیه های خبری...

شد. این کارگران هنوز یک ماه ونیم حقوق طلب دارند و هنوز حق بیمه آنها پرداخت نشده است. ۷۰۰۰ کارگر تراورس در یکماه اخیر در شهرهای مختلف اعتراضاتی داشتند و خواست آنها دائمی شدن قراردادهای، پرداخت فوری طلبها و واریز ب موقع دستمزدها در هر ماه، و رعایت پروتکلهای بهداشت جهانی در مقابله با بیماری مهلک کروناست. این کارگران به سطح نازل حقوقهایشان اعتراض دارند.

**اعتراض کارگران فصلی نیشکر هفت تپه به اخراجها**  
**جدال در نیشکر هفت تپه ادامه دارد**

روز سوم آذر کارگران فصلی نیشکر هفت تپه در اعتراض به اخراج ها به بهانه اتمام قراردادهایشان بدستور آمیلی نماینده تام الاختیار در شرکت، مقابل دفتر مدیریت تجمع کردند.

جدال در نیشکر هفت تپه همچنان ادامه دارد. بازگرداندن شدن کارگران اخراجی در تمامی بخش های نیشکر هفت تپه، توقف اخراجها و بازگشت به کار اسماعیل بخشی، محمد خنیفر، ایمان خضری و سالار بیژنی که در اعتراضات سال ۹۷ کارگران نیشکر هفت تپه اخراج شده بودند، از جمله خواسته های مورد تاکید این کارگران است. اکنون نیز اعتراض کارگران اخراجی فصلی مورد حمایت همه کارگران

در حالیکه پرونده خلع ید از اسد بیگی به هیات داور ریفته و بحث بر سر تعیین تکلیف مالکیت این مجتمع کارگری در جریان است، آمیلی و دارودسته باند اسد بیگی آخرین تلاش هایشان را برای سنگ اندازی در راه آن و عقب راندن کارگران بکار میبرند. اینان که توطئه هایشان برای دستگیری و اخراج نمایندگان کارگران و خارج کردن اموال شرکت و غیره شکست خورده است، اکنون در اوج استیصال و درماندگی با اقداماتی چون پخش شبنامه و تلاش برای دامن زدن به تفرقه افکنی قومی و اتهام زنی به زنانی که در این شرکت کار میکنند، تلاش میکنند فضای مبارزه کارگران را مسموم و در صف آنان تفرقه ایجاد کنند. اما کارگران هوشیارانه و

با اراده متحدانه خود در مقابل تمامی این تشبثات ایستاده و پیگیر مطالباتشان بوده و همواره در مبارزاتشان بر اتحاد صفوف کارگران و همبستگی مبارزاتی خود تاکید میکنند.

کارگران نیشکر هفت تپه خواستار جمع شدن بساط باند چپاول و دزدی بخش خصوصی و اسد بیگی و دارو دسته هایش هستند. خواست کارگران گسیل یک نفر به شرکت و اداره کارخانه تحت نظارت خود آنان است. این



کارگران دستمزد مهرماه را طلب دارند و بعلاوه دفترچه های بیمه شان نیز هنوز تمدید نشده است. از خواسته ها و مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه باید وسیعا حمایت کرد.

**پیش بسوی اعتصابات سراسری**  
**پیش بسوی ایجاد شوراهای حزب کمونیست کارگری ایران**  
۴ آذر ۱۳۹۹  
۲۴ نوامبر ۲۰۲۰

زیر مجموعه های این کارخانه را داده خبری کردیم. با همین قدرت کارگران این مجتمع بزرگ کارگری میتوانند در جلوی اعتراض علیه شلاق و زندان و شکنجه باشند و در حمایت از همکارشان داود رفیعی سخنشان رو به جهان این باشد که جمهوری اسلامی این رژیم شلاق و زندان و اعدام باید در سطح جهانی بایکوت سیاسی و سران آن پشت میز محاکمه قرار گیرند. جمهوری اسلامی با قوانین وحشیانه مجازات های اسلامی و دستگاه قضایی و تمام دم و دستگاه سرکوب و چنایتش باید به زیاله دان تاریخ سپرده شود.

۱۷ نوامبر

از مبدای اجتماعی حزب

## انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهاب بهرامی

ادیتور: کاظم نیکخواه

مسئول فنی: مراد شیخی

anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه هامنتشر میشود

حزب کمونیست کارگری ایران  
Worker-communist Party Of Iran

خورد. این گستاخی آشکار را باید با اعتراضی سراسری پاسخ داد.

اجرای حکم شلاق در قبال داود رفیعی با موجی از اعتراض در سطح مدیای اجتماعی روبرو شده است. اسماعیل بخشی از رهبران کارگران نیشکر هفت تپه در رابطه با این حکم مینویسد: «این تن شلاق خورده که می بینید، فقط تن داود رفیعی نیست. این تن شلاق خورده ی تمام کارگران ایران است. بله! کارگر با رنج و مشقت تولید میکند، زانو سودش را می برد، زانو اختلاس می کند، کارگر شلاقش را می خورد. طعم شیرین عدالت، شلاق بر تن کارگران است.»

پیمان شجیراتی از کارگران سابق در رابطه با این گستاخی جمهوری اسلامی مینویسد: " این ضربات تازیانه توحش حکومت کثیف و پلید اسلامی است که نه بر تن داود رفیعی که بر پیکر همه طبقه کارگر فرود آوردند. داود رفیعی سالهاست برای بازگشت بکار تلاش میکند. کارگر ایران خودرو بود و بخاطر مطالبه گری ها و اعتراضاتش از کار اخراج

## شهلا دانشفر

### شلاق زدن داود رفیعی باید جوابی دندان شکن بگیرد

رژیم شلاق و زندان و اعدام باید در سطح جهانی بایکوت شود

پیگیری وضعیتش، توسط مأموران جنایتکار اجرای احکام هفتاد و چهار ضربه شلاق خورد. او به جرم اعتراض به حکم اخراجش و با در دست گرفتن پلاکارد مرگ بر وزیر کار و توهین به علی ربیعی، وزیر کار سابق شلاق

رژیم شلاق و زندان و اعدام باید در سطح جهانی بایکوت شود.

داوود رفیعی، کارگر اخراجی ایران خودرو بعد از تحت فشار قرار گرفتن وثیقه گذارش توسط دستگاه قضایی، هنگام مراجعه به "دادسرای مقدس" برای



**رژیم شلاق و زندان و اعدام باید در سطح جهانی بایکوت شود**